



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۲/۱۰

سیدهاشم سدید

## دست پاکستان بالاخره به طور علنی از آستین کرزی برآمد

یگانه مشکلی که پاکستان بعد از پیدایش نامیمون و غرض آلود این کشور به خواست انگلیس ها، به طور جدی با افغانستان داشت، موضوع خط "دیورند" بود. خط فرضی دیورند، همانگونه که در جا های دیگر انگلیس ها (بعد از انگلیس ها امریکایی ها) با تقسیم جبری و غرض آلود کشور ها و بوجود آوردن مرز های مصنوعی میان ملت ها و سرزمین های واحد تخم اختلاف و دشمنی را میان مردمان و حکومت هایی که بعد از تقسیم در همسایگی هم قرار گرفتند، کاشتند، میان افغانستان و پاکستان نیز منشاء اختلاف اصلی و رو به تزاید، بوجود آمدن همین خط مرزی گردید.

این اختلاف جدی، با تحولاتی که به مرور زمان میان این دو کشور، کشور های منطقه و جهان رونما گردیده (و می گردد)، مایه اختلافات، و با تعبیری جنگ های اطلاعاتی، جنگ های اطلاعاتی - اقتصادی و گاهاً برخورد های مسلحانه بیشتر پاکستان علیه افغانستان گردید.

تکوین و چند لایه شدن اختلافات این دو کشور حل مشکل را، خصوصاً زمانی که سیاستمداران پاکستانی روش های غیر اصولی و زورگویانه را در برابر افغانستان بطور جدی تری اختیار کردند، مشکل تر ساخت. و پاکستان، که بطور موزیانه همیشه در پی یافتن و گرفتن انگشت افکار افغان ها بوده و است، مخصوصاً بعد از آمدن خلق - پرچم و تجاوز شوروی به افغانستان، با استفاده از مجبوریت های افغان ها و نیاز غرب به پاکستان برای کمک های مالی - تسلیحاتی - اطلاعاتی به گروه های مجاهدین در مقابل شوروی وقت، با تمام قوا در پی تثبیت خواسته های خویش بر افغان ها و تسلط یافتن بر افغانستان برآمد؛ و در فراز و فرود وقایع بعدی، علی الخصوص زمانی که طالبان قدرت سیاسی را در افغانستان به دست گرفتند، تا حدود زیادی به این آرمان های دیرینه خویش نایل گردید.

قصه کوتاه؛ امروز پاکستان دیگر تنها به حل موضوع خط فرضی دیورند، هر چند به زعم خود آن را حل شده می پندارد، فکر نمی کند و قانع نیست. مسائل متعدد دیگری هم در ارتباط به روابط این کشور با افغانستان آرام، آرام و به مرور زمان و همگام با تحولات جدید در منطقه و جهان، و نیاز های تازه این کشور به پول و سلاح و نیروی انسانی و زمین و هم پیمان، ظهور کرده است، که منتج به بازی های جدید پاکستان، چه با دولت و مردم افغانستان و چه در سطح منطقه و جهان، شده است.

یکی از این بازی های عنعنوی، تداوم بستن بنادر تجارتي این کشور به روی امتعه تجارتي و سائر لوازم و ضروریات تجار و دولت افغانستان محاط به خشکه است. بازی دیگر پیش گرفتن و به راه انداختن انواع خشونت از طریق تربیت و گسیل گروه های انتحاری به افغانستان می باشد. بوجود آوردن گروه های مسلح بنیادگرا برای جنگ و کشتار و تخریب آبادی ها به غرض وارد کردن فشار بر دولت و مردم افغانستان بازی دیگری است، که پاکستان در قبال افغانستان روی دست گرفت. مسئله آب با بالا گرفتن قلت آب، و موضوع عمق استراتژیک با افزایش دشمنی پاکستان با هند، که یکی از دوستان تاریخی و مهم و مورد اعتماد افغانستان می باشد، همراه با خیزش های آزادی طلبانه مردمان بلوچ و پشتون در پاکستان علیه حکومت این کشور، که پاکستان از روی کذب و غرض انحراف افکار عامه جهانی افغانستان را محرک آن می داند، موضوعات دیگری اند که سبب فزونی دشمنی پاکستان علیه افغانستان می گردد.

همه این بازی ها بدون شک تا حدودی اثرات خود را داشتند و دارند، اما خطرناک ترین بازی که پاکستان در کشور ما با جدیت کم نظیر برای به زانو درآوردن دولت و مردم افغانستان به کار بست و به کار می بندد، همانا تربیت برخی از انسان های ظاهراً افغان، ولی در باطن پاکستانی است، مانند ملا حکمتیار ها و ملا عمر ها و ملا کرزی ها و ملا زاخیل وال ها و ملا دوازی ها و ملا وردک ها و اشخاص دون صفت دیگری با اخلاق و

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له رايرلو مخکې په خیر و لولئ

کرکتر مشابه این ها و...، که با یافتن هر فرصتی می خواهند هم امنیت و ثبات کشور را برهم بزنند، هم کار های سازنده در کشور را به نحوی مختل بسازند و یا از بین ببرند و هم به دفاع از منافع پاکستان بر خیزند. اشتراک در نشست مسکو، که با پلان پاکستان و ایران و روسیه دائر شد، در واقع تلاش برای تأمین منافع این سه کشور، که به نحوی با دولت موجود افغانستان سر سازش ندارند و نمی خواهند نیرو های امریکایی در افغانستان حضور داشته باشند، می باشد (مخالفت این کشور ها با حضور عساکر امریکایی در افغانستان به خاطر افغانستان نیست، بلکه به خاطر این است که منافع خود شان به خطر مواجه شده است).

همه اشخاص و افرادی را که در این نشست باید با طالب در رابطه صلح صحبت می کردند، کرزی به نحوی از انحاء و با سؤاستفاده از اعتمادی که دولت نسبت به وی داشت، وسیله شد تا به مسکو سفر کنند. کرزی با این کارش در واقع می خواست به جهانیان چنین تلقین کند، که همه مردم افغانستان را در پشت خود دارد، و این اشخاص که در فکر افغانستان هستند با طالب مشکلی آنچنانی ندارند، در حالی که همه با کرزی، هم مشکل داشتند و هم مشکل دارند؛ همانگونه که با دولت مشکل دارند، چون دولت مانع خلاف رفتاری ها و زورگویی های شان شده و می شود (روی گشتاندن فوزیه کوفی از دولت موجود و رو آوردن وی به کرزی، به دلیل مشکلی بود، که دولت به خاطر شکایت مردم از قاچاق و زورگویی برادران وی در جای بود و باش آن ها و حمایت غیر قانونی فوزیه کوفی از آن ها، با اقتداری که منحیث یک وکیل داشت، با وی پیدا کرد و بر اساس آن اسم وی - و چند داوطلب دیگر وکالت را که به کار های مشابه دست می زدند - از لست نامزدان وکلای شورا حذف نمود).

فوزیه کوفی کسی بود که همواره از طالب و از عصبیت طالبانی در برابر زن، و از حکومت های مطلق گرا و مستبد با درشت ترین سخنان انتقاد می کرد و بد و رد طالب را منحیث نمونه ای از این چنین حکومت ها می گفت.

انگیزه دیگری این چرخش یک صد و هشتاد درجه بی این ها این است که همه فکر می کنند که اگر طالب برگردد، این ها از قدرت دور می مانند، یا شاید جان و مال شان، که با هزار چشمپارگی و دزدی و گرگی گرد آورده اند، مصون نماند.

این بازی های شرم آور و سنگر بدل کردن های جیبونه و ضدملی برای حفظ قدرت و به دست آوردن ثروت از چهل سال بدین سو در کشور ما و در میان سیاست مداران دست راستی و مذهبی نما، به خصوص، جریان دارد؛ و برخی دیگر نیز در این گیر و دار با پیروی از معامله گران جهادی به این شیوه های مردار برای دست یافتن به قدرت و گرد کردن مال متوسل شده و می شوند.

طالب را برادر خواندن، باوجودی که خوب می دانند که طالب گروهی است که تنها و تنها به خواست و به هدایت پاکستان برای تخریب آبادی ها، کشتار مردم و تضعیف دولت افغانستان دست به تخریب و کشتار و جنگ می زند، و در واقعیت امر خدمت به پاکستان و خیانت به افغانستان را پیشه خود ساخته است، چه معنی دارد. چرا کرزی به چنین کاری متشبث می شود؟ برای دریافت جواب درست برای این سؤال، به گذشته وی و به معامله گری های وی که گاه دشمن شوروی و دوست امریکا است، گاه دشمن امریکا و دوست روس، و از هر کشوری که پیش می آید، خواه عربستان سعودی باشد خواه ایران (دو دشمن خونی و آشتی ناپذیر) با درپوزه گری به نام های مختلف خلاف رسوم و عنعنات افغانان سربلند و غیور پول می گیرد، چنانچه از ایران، یکی از دشمنان دیگر ما، سال ها به نام خرچ دسترخوان ارگ پول می گرفت، مراجعه کنید! پول هایی که همه به جیب شخصی وی رفتند. (امید سخنرانی یکی از سناتوران امریکایی را که طی یکی - دو هفته گذشته ضمن صحبت های دیگر در مورد وی و برادرانش درسای این کشور شد، دیده باشید. این سناتور به طور واضح وی و برادرانش را دزد و قاچاقبر و صاحب سرمایه های جمع شده از راه های غیرقانونی و نامشروع در دوران ریاست جمهوری حامد کرزی خواند. حامد کرزی که به قول برخی از نشرات، اگر درست به خاطر داشته باشیم، صاحب ۳۷۰ میلیون دالر می باشد؛ ۳۷۰ میلیون دالری که همه در جریان زمامداری وی از راه های نامشروع و غیرقانونی جمع شده اند، درحالیکه مردم این کشور در آتش محرومیت و فقر می سوزند. چنین اند کرزی ها!!

طالب مردم ما را می کشد، خانه های مردم را ویران می کند و دارایی های عامه را از بین می برد، علیه دولت بر سر اقتدار و رسمی کشور می جنگد و آشکارا در خدمت پاکستان قرار دارد و در صدد برآورده ساختن اهداف شوم پاکستان عمل می کند و می خواهد فرسوده ترین و پس مانده ترین نظام سیاسی - اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی را در کشور ما مستقر سازد، آزادی ها را محدود کند و جلو مشارکت و رقابت را که ضروری ترین نیاز برای بسط حیات سیاسی - اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی کشور است، بگیرد. می خواهد اردوی کشور را منحل سازد، آنگونه که مجاهدین نما ها در دوران نواز شریف بنابر هدایت پاکستان دست به این کار زدند. شورا و سیستم عصری قضایی را منحل سازد و... با همه این ها، طالب را برادر خواندن و با طالب همکلام و هم

نظر شدن و در پشت طالبی که دستانش تا مرفق به خون ده ها هزار افغان بی گناه آلوده است نماز خواندن را چه چیزی تعبیر باید کرد؟

طالب کیست؟ چگونه و برای چه مقصدی بوجود آمده است؟ برای چه و کی می جنگد؟ با کی ها ارتباط دارد؟ از کی ها سلاح و مهمات و پول می گیرد و در صدد حفظ منافع کی ها می باشد؟ آن هایی که طالب با ایشان ارتباط دارد و طالب از جانب آن ها تجهیز و تمویل و حمایت می شود و به افغانستان گسیل می گردد تا مردم بی گناه ما را با ایجاد خوف، کشتار و ویرانگری برای مخالفت با دولت و کرنش در برابر خود و پاکستان مرعوب سازد، چه نوع مناسبات و ارتباطاتی با ما دارند؟ و در پی رسیدن به چه اهدافی می باشند؟ آیا این کشور ها در فکر سود و منفعت افغانستان و افغان ها هستند؟؟

هند، بطور مثال، برای ما بند برق می سازد و فرستاده های افغانی ایران و پاکستان به نام طالب می خواهند آن ها را منهدم کنند. کرزی این ها را برادر می خواند و وقتی که آن ها خواسته های خویش را از طریق نماینده خویش در نشست مسکو، یا حین مصاحبه با خبرنگاران، بیان می دارند، با شور دادن کله خویش آن خواسته ها را، که همه ضد منافع و امنیت ملی ما است، خائینانه تایید می کند (ساده ترین و جامع ترین تعریف خیانت ملی از نظر من این است که: هر آن انسانی که امنیت داخلی و خارجی کشور خویش را به خطر بیندازد، یا سبب آن گردد، و یا در تعارضات میان کشور خود با یک کشور خارجی جانب کشور خارجی را بگیرد، مرتکب جرمی که در عرف سیاسی - حقوقی به آن خیانت ملی گفته می شود، می گردد). تعریف دیگری از خیانت ملی این است که: "**خیانت** به معنی سوء قصد به امنیت کشور از طریق برقراری ارتباط با دشمن است."

با توجه به این دو تعریف، آیا فعالیت های کرزی و طالب و کسانی که با کرزی و طالب کله شور می دهند و یا الله می گویند، به معنی سوء قصد به امنیت و منافع ملی کشور و برقراری ارتباط با دشمن نیست؟ حال، اگر کرزی با پاکستان مستقیماً رابطه برقرار هم نکرده باشد، که بعید به نظر می رسد، همین رابطه ای که با طالب، نماینده پاکستان برقرار کرده است، و تایید خواسته های آن ها، او را در ردیف دشمنان امنیت و منافع افغانستان قرار می دهد و شامل کسانی می سازد که باید "خائین ملی" خوانده شوند. شوراندن مردم علیه دولت به نوبه خود نوعی برهم زدن امنیت کشور و آب ریختن در آسیاب دشمن و خیانت به مردم و خاک می باشد!

آیا برای شناخت این مار آستین به مدارک و دلایل و زمان بیشتری نیاز است؟ خدا را کی دیده است؟ هیچ کسی! از چه می دانیم که خدایی وجود دارد؟ از پدیده هایی که در جهان و در پیرامون ما وجود دارند! خوشم نمی آید که در این نوشته یادی از آقای عبدالاحد خان کرزی به میان بیاید، اما ناگزیریم اشاره ای به علت کشته شدن وی به دست طالب بکنیم.

چرا طالب عبدالاحد خان کرزی را به قتل رساند؟ برای اینکه او هم، مانند حامد کرزی، آدم ناراست و دغلکاری بود؛ آدمی بود به پوست ناپاک! ایشان در جریان حیات خویش با جناح های مختلف از ظاهر خان و داود خان و احزاب جهادی و طالب گرفته تا داکتر نجیب (وقتی نجیب آشتی ملی را اعلام کرد) در ارتباط بود؛ هم همراه پاکستان داشت و هم همراه افغانستان و از طریق سردمداران خلق - پرچم همراه روس. هم به میخ می زد و هم به نعل. همیشه میان افغانستان و پاکستان در رفت و آمد بود و به گفته افراد قابل اعتماد، که نمی خواهند نام های شان افشاء شود، خبر این را به آن و خبر آن را به این می رساند. وقتی پاکستان و طالب از این قضیه باخبر شدند، وی را از بین بردند. کرزی پرورده دست چنین انسانی است.

اشتراک کرزی در نشست مسکو با طالب، و کله شور دادن وی همزمان با صحبت های استانکزی، نماینده طالب در این نشست و در مصاحبه های که می نمودند، کاملاً نشان می دهد که کرزی آنچه را پاکستان از زبان ستانکزی دیگته می کند، قبول دارد و تایید می کند.

چند روز پیش در جایی، به گمانم در همین پورتال افغان جرمن آنلاین بود که راجع به استانکزی نوشته شده بود که عضو حزب به اصطلاح دموکراتیک خلق افغانستان نبوده و زندگی مبارزاتی یا سیاسی خود را با شمولیت در حزب اتحاد اسلامی افغانستان آغاز کرده است.

این موضوع هم درست است، و هم درست نیست. درست نیست برای اینکه ستانکزی سیاست را با قبول عضویت در حزب دموکراتیک خلق افغانستان آغاز کرده و نه با عضویت در تنظیم اتحاد اسلامی سیاف، یا حرکت اسلامی مولوی محمدی، که بعد از قطع رابطه با سیاف به آن پیوست و زمانی که مولوی محمد نبی با طالب ها یکجا شد استانکزی هم با آن ها پیوست و طالب شد.

ستانکزی را دولت خلقی - پرچمی غرض تحصیل نظامی به هند فرستاده بود؛ چون حزبی و مورد اعتماد آن رژیم بود. موصوف بعد از ختم تحصیل بجای افغانستان به پاکستان رفت و مبارزه خود را در صف جهادی ها آغاز کرد، مانند هر انسان فرصت طلب؛ چون از قرائن و جهت بادی که می وزید می فهمید که بالاخره جهاد به پیروزی می رسد. زبان انگلیسی را نیز در هند و ضمن تحصیل فرا گرفت. همه این برادران و همه برادرا جهادی سر یک کرباس هستند و مانند هم!!

نماز خواندن کرزی و دیگران در پشت نماینده طالب به معنی بیعت و بستن عهد و پیمان ایشان به شکل رسمی از طریق نماینده گروه طالب با تحریک طالبان و پاکستان است. عملی که می توان آن را بغاوت در برابر دولتی بر سر اقتدار و رسمی افغانستان و جرم نابخشودنی آشکار تلقی کرد.

انحلال اردو، خواست پاکستان است. دست یافتن طالب به قدرت در افغانستان، خواست پاکستان است؛ زیرا منافع پاکستان در افغانستان و منطقه از طریق دولت طالبان بهتر و بیشتر و سهلتر برآورده می شود. تقلیل رابطه به صفر درجه با هندوستان، دوست عنعنوی افغانستان که طی هفده - هجده سال اخیر، بخصوص، میلیارد ها دالر به افغانستان کمک کرده است، تا این کشور را بیشتر از پیش به پای خود ایستاده کند، خواست پاکستان است. از آب و عمق استراتژیک و دست یابی به نفت و گاز ترکمنستان و بازار های این کشور و کشور های تاجکستان و ازبکستان و قزاقستان و قرغزستان نیز ضمن گپ، قبلاً یاد شده است.

پاکستان در طول حیات خویش چه برادری با ما کرده است، که کرزی وی را، مانند طالب، برادر خطاب می کند؟ اگر به بدبختی های بی شمار مردم و کشور خویش خوب دقت کنیم و در جست و جوی عامل یا عاملین این همه بدبختی ها برآییم، در قدم اول و به پیمانانه وسیعی دست پاکستان را در همه این بدبختی ها دخیل می یابیم.

چنین همسایه ای را برادر خواندن، بی اعتنایی به منافع ملی، حاکمیت ارضی، آزادی و استقلال، و توهین به مردم افغانستان است. که تنها از انسان های مانند کرزی می توان انتظار داشت.

خلاصه کلام: با تشکیل نشست مسکو و اشتراک کرزی در آن، بالاخره سر پاکستان از آستین چین کرزی، که امیدوارم این چین به کمر وی بزند، یعنی مردمان سمت شمال کشور که چین یکی از لباس های ملی، عنعنوی و قابل احترام شان می باشد، دست به تحریم جدی این عجوبه هفت سر بزنند، و در کنار سائر مردمان افغانستان دست وی را از سیاست های موزیانه و ضدملی و تخریب خاک کوتاه کنند! چون بودن وی در عرصه سیاستی کشور، بالاخره ما را به تباهی کامل سوق خواهد داد!

وظیفه من، در این سن و سال، تنها گفتن است، و بس!

پایان